

بررسی تطبیقی تفسیر ظاهر و باطن قرآن از منظر امام خمینی؟ ره؟ و آیت‌الله فاضل لنکرانی؟ ره؟^۱

طیبه فریدونپور، کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی^۲

چکیده

ضرورت و اهمیت پرداختن به مباحث علوم قرآنی، مقدمه‌ای برای رسیدن به محتوای قرآن و پرده‌برداری از مقاصد اصلی آیات است. یکی از مباحث مهم و مؤثر علوم قرآنی در فهم و تفسیر قرآن، چیستی ظاهر و باطن قرآن است که از جمله موضوعات پیچیده در میان مفسران و اندیشمندان قرآن‌پژوه در علوم قرآنی به شمار می‌رود. حضرت امام خمینی؟ ره؟ در جایگاه یکی از صاحب‌نظران در این مبحث، اصطلاح ظاهر و باطن را ریشه گرفته از روایات دانسته که بسیار مورد توجه و تأکید ائمه اطهار؟ هم؟ بوده است. از دیدگاه ایشان، حقیقت قرآن به مراتب، دچار تنزلاتی شده تا به صورت ظاهر و در ظرف الفاظ قرآن درآمده است. این مراتب تنزلات، همان باطن قرآن است. با وجود این که رویکرد غالب حضرت امام در تفسیر باطن آیات قرآن، رویکردی عرفانی است، ایشان نسبت به ظاهر قرآن نیز اهتمام ویژه‌ای داشتند. آیت‌الله فاضل لنکرانی؟ ره؟ نیز مسئله ظاهر و باطن قرآن را می‌پذیرد، اما اصل اول در تفسیر ایشان، تعهد نسبت به خصوصیات ظاهری قرآن است. از دیدگاه ایشان، عقل به منزله یک متخصص متصل، ظهور را از معنای حقیقی در معنای مجازی قرار می‌دهد. در این پژوهش می‌خواهیم مبانی این دو اندیشمند وارسته را در تفسیر ظاهر و باطن قرآن کریم بکاوییم.

کلیدواژه: تفسیر، ظاهر، باطن، مبانی، حضرت امام خمینی؟ ره؟، آیت‌الله فاضل لنکرانی؟ ره؟.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۷/۲۰ تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲.

2. Email: fereydoonpor.t.1367@gmail.com

طرح مسئله

قرآن در جایگاه اصلی‌ترین سند اسلامی از زمان ظهورش تا به حال مورد بهره‌برداری مسلمانان قرار گرفته است و هر کس کوشیده تا اعمال و نظرات خویش را مطابق با آن هماهنگ سازد. اما عده‌ای، در بسیاری از موارد قرآن را مطابق با عقاید و منافع خویش تفسیر و تأویل می‌کردند. بحث از ظاهر و بطن قرآن کریم از جمله مباحث پیچیده و بسیار مهم علوم قرآنی است. اهمیت و پیچیدگی مفهوم ظاهر و بطن قرآن، زمانی که به «ماهیت ذو وجوه بودن» قرآن توجه شود، نمایان‌تر است؛ زیرا قرآن، هم ظاهر دارد و هم باطن و شناخت واقعیت چستی باطن قرآن، هم در شناخت قرآن کریم و گستره معانی و معارف آن اثر دارد و هم در آگاه‌شدن به روش صحیح تفسیر باطن آن مؤثر است. جاودانگی قرآن و فراگیربودن آن برای همه عصرها و تمامی نسل‌ها هم، وابسته به بعد باطنی قرآن است. کلام الهی با گذر زمان، هیچ‌گاه از طراوت و تازگی اش کاسته نشده و در هر دوره و زمانی برای افراد تازه و نو است.

بنابراین از آنجاکه جاودانگی قرآن و امدار وجود بطن است و با آن ارتباط دارد، و ظاهر و باطن کلام الهی نیز با هم مرتبط هستند، فهم صحیح ظاهر در فهم درست از باطن و راه‌یابی به سوی آن بسیار مؤثر خواهد بود. مفسران نیز با پذیرش اصل وجود بطن قرآن و ارتباط و وابستگی ظاهر و باطن کلام الهی به یکدیگر، معتقدند که در فهم قرآن، فهم و تفسیر ظاهری نمی‌تواند گویای مقصود و هدف الهی باشد، بلکه در فهم قرآن باید باطن را نیز مد نظر قرار داد.

با تحقیق در طریق به دست آوردن معارف باطنی قرآن، نادرستی و غیرقابل اعتماد بودن بسیاری از مطالبی که به‌عنوان تفسیر معانی باطنی قرآن به آن نسبت داده‌اند، معلوم می‌شود. با دقت نظر در سخنان دو اندیشمند بزرگ، حضرت امام خمینی^{ره}؛ و آیت‌الله فاضل لنکرانی^{ره}؛ به تبیین و تفسیر ظاهر و بطن قرآن پرداخته شده و شیوه صحیح و قابل اعتماد آشنایی با معارف باطنی قرآن بیان می‌گردد.

پیشینه مسئله

قرآن یگانه کتاب آسمانی است که بدون تحریف به‌عنوان معجزه جاودان الهی، برای هدایت بشر بر پیامبر اکرم نازل شد، زیرا حضرت حق خود حافظ آن از تحریف بود.

ظاهر و بطن قرآن نیز یکی از موضوعات پُر اهمیت در حیطه مباحث علوم قرآنی و از مباحث دیرینه در حوزه فهم و تفسیر قرآن کریم به‌شمار می‌آید، و از مبانی و مسائلی است که در میان شیعه و سنی پذیرفته شده و در میان همه مکاتب علمی اعم از مفسران، محدثان، فقها و اصولیان، متکلمان، فلاسفه و

بررسی تطبیقی تفسیر ظاهر و باطن قرآن از منظر امام خمینی؟ ره؟ و آیت الله فاضل لنکرانی؟ ره؟ ۳

عرفاً تقریباً مورد اتفاق است. این پذیرش همگانی و اتفاق دانشمندان به خاطر آن است که مسئله ظاهر و باطن یک اصطلاح دینی است که در قرآن و سنت ریشه دارد؛ اگرچه ممکن است در معنا و مصادیق آن‌ها اختلاف نظر وجود داشته باشد. تاریخ نشان داده است راز جاودانگی قرآن و ماندگاری آن با گذشت زمان و نیز تازگی و طراوت همیشگی آن برای افکار بشریت، همین عمق و ژرفای معانی آن بوده که هیچ‌گاه به نقطه پایان نمی‌رسد. پیامبر اکرم؟ صل؟ نخستین مفسری بود که به تبیین مقصود خداوند، فزاینده‌تر معنای ظاهری آیات قرآن کریم اقدام کرد و این شیوه را به دیگران نیز تعلیم دادند. تبیین و تفسیر ظاهر و باطن قرآن، به‌ویژه باطن آن نیازمند ویژگی‌های و شرایط خاصی است. به‌همین منظور هرکس قادر به انجام این امر خاص نیست. پیامبر اکرم؟ صل؟ با توجه به این مهم، حضرت علی؟ ع؟ را شایسته این تعلیم و جانشینی شایسته، جهت اخذ بطون کلام الهی یافت و بدین سبب قرآن را به ایشان تعلیم فرمود. پس از پیامبر گرامی اسلام، امام علی؟ ع؟ و دیگر ائمه معصوم؟ عهم؟ عهده‌دار تبیین کلام حق بودند. اما پس از رحلت پیامبر و با بروز اختلاف‌های سیاسی - اجتماعی، برداشت‌های دینی دست‌خوش دگرگونی شد و تفسیرهای گوناگونی از قرآن صورت گرفت تا جایی که گاه اندیشه‌های متفاوت و متضادی در مقابل اندیشه‌های صحیح و شایسته قرار گرفتند.

در نیمه نخست قرن دوم هجری رویکرد گسترده‌ای به تأویل قرآن تحت عنوان تفسیر بطون شکل گرفت که به صورت مکتب‌های تفسیری، باطنی، عرفانی هویدا شد. برخی دانشمندان اهل سنت از قبیل محمد حسین ذهبی ادعای ظهر و بطن و تزیل و تأویل درباره قرآن را امری بی‌اساس و ساخته و پرداخته شیعیان دوازده‌امامی دانسته‌اند (ذهبی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۷ - ۳۸). البته آنچه در رابطه با ظاهر قرآن اهمیت دارد آن است که اولاً، ظاهر قرآن معتبر است و ثانیاً، ظاهر هم اصول و قواعد مخصوصی برای برداشت دارد و اگر کسی خارج از اصول قرآن به تفسیر آن بپردازد، مشمول «من فسّر القرآن برأیه» خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۸).

در مقابل، گروهی از شیعیان «باطنیه» هستند که منکر ظواهر قرآن و شرع‌اند و مدعی‌اند هر کس به ظاهر تمسک کند، گمراه است و مراد از قرآن، باطن آن است، نه ظاهر آن و با عمل به باطن قرآن، آدمی از ظاهر بی‌نیاز می‌گردد. این گروه در تأیید گفته خودشان، به این آیه تمسک نموده‌اند که خداوند فرموده: «{ رَبِّ يَبِّئْ بَسْمُورِ ؕ بَابُ بَطْنِهِ فِيهِ الرَّحْمَةُ } تَبَّأْ وَوَأَنَّ»؛ پس میان ایشان (اهل ایمان و اهل نفاق) دژ و دیواری که در آن دری هست زده می‌شود، در باطن و اندرون آن دیوار، رحمت و نعمت - بهشت - است و در ظاهر و از برون، از جانب آن عذاب و شکنجه است (حدید،

آیه ۱۳).

برخی نیز مردم را از مراجعه مستقیم به قرآن برحذر داشته و فهم قرآن را فراتر از توان مردم عادی می‌دانستند و معتقد بودند که فهم ظاهر قرآن جز از طریق پیامبر؟ صل؟ و ائمه؟ عهیم؟ حاصل نمی‌شود. از همین رو مشخص می‌گردد که موضوع ظاهر و باطن قرآن در گذر زمان، با نظرات و داوری‌های گوناگونی از سوی گروه‌های مختلف کلامی، فقهی و تفسیری روبه‌رو بوده است که حتی برخی برای رسیدن به اهداف و تأیید عقاید خود، به جعل روایت و تأویل‌های ناروا از آیات قرآن اقدام کرده‌اند. پیشینه تاریخی این بحث، به روایاتی می‌رسد که به طرق متعدد و در کتب روایی و تفسیری شیعه و اهل سنت از رسول گرامی؟ صل؟ و ائمه؟ عهیم؟ معصومین وارد شده است که همگی آن‌ها در این‌که قرآن علاوه بر ظاهر، دارای باطنی هم هست، اتفاق نظر دارند (ر.ک: شاکر، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵).

مفهوم‌شناسی واژه‌های تفسیر، ظاهر و باطن در کلام اهل لغت

۱. معنای لغوی و اصطلاحی واژه تفسیر

واژه «تفسیر» باب تفعیل از مصدر ثلاثی مجرد «فَسَّرَ» است که هر دوی آن‌ها _ تفسیر و فسر _ به معنای روشن کردن و آشکار ساختن است. عرب، نگاه کردن طیب به آب را «فسر» می‌گوید و «تفسره» همان ادراری است که بیماری را از آن تشخیص می‌دهند؛ یعنی پزشکان با دقت در رنگ آن، بیماری را می‌شناسد (ر.ک: ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۰، ص ۲۶۱؛ فیروزآبادی، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۶۳۶).

برخی نیز با پذیرش این معنای لغوی، وجه شباهت شناخت بیماری از سوی طیب با نظر بر ادرار او با کشف معانی و مسائل مربوطه به آیات از سوی مفسر را بیان کرده‌اند (ر.ک: زرکشی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۱۴۷). بنابراین تفسیر عبارت است از بیان مفاد استعمال آیات و کشف مراد جدّ خداوند براساس ادبیات عرب و اصول کلامی است.

متخصصان علوم قرآنی و بعضی از مفسران، زمانی که درصدد تعریف اصطلاحی تفسیر برآمده‌اند، تعریف واحدی را مطرح نکرده‌اند که در ذیل به ذکر چند نمونه از آن می‌پردازیم:

تفسیر، دانستن «شان» نزول آیه، سوره و قصه‌های آن و نیز ترتیب مکی و مدنی و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ و خاص و عام و مطلق و مقید و مجمل و مفسر «مبین» آن است و عده‌ای علاوه بر این موارد، علم حلال و حرام و وعده و وعیدها و امر و نهی‌ها و عبرت و امثال قرآنی را نیز بر آن افزوده‌اند (ر.ک: زرکشی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۲۸۴).

طبرسی در مجمع البیان می‌نویسد: «التفسیر کشف المراد عن اللفظ المشکل... و التفسیر البیان؛

بررسی تطبیقی تفسیر ظاهر و باطن قرآن از منظر امام خمینی؟ ره؟ و آیت الله فاضل لنکرانی؟ ره؟ ۵

تفسیر، پرده برداشتن از مراد و مقصود الفاظی است که و مشکل به نظر می‌رسند... تفسیر بیان امری است» (طبرسی، ۱۲۷۲، ج ۱، ص ۱۳).

آیت الله فاضل لنکرانی در تبیین معنای تفسیر می‌نویسد: «منظور از تفسیر این است که خداوند متعال را از کانال الفاظ در قرآن مجید درک نماییم و با تفسیر پرده از روی ناگفته‌ها برداریم» (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۸۱ (ب): ص ۲۶۹).

علامه طباطبائی؟ ره؟ در المیزان چنین می‌گوید: «تفسیر بیان معانی آیات قرآن و آشکارساختن اهداف و مدلول‌های آنهاست» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴).

۲. معنای لغوی و اصطلاحی واژه ظاهر و باطن

طریحی می‌گوید: «ظاهر ضد مخفی بوده و به آنچه مخفی نباشد، اطلاق می‌شود. جمع آن أظهر و ظهور است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۸۹). ابن فارس نیز می‌گوید: «ظاهر بر آشکار بودن دلالت دارد. وقتی چیزی کشف شود و آشکار گردد، پس آن ظاهر است (ابن فارس، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۰۱).

ابن منظور در تبیین معناشناسی لغوی واژه «ظاهر» آورده است: «الظاهر من كل شيء خلاف البطن» (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۵۲۰) و در توضیح بطن نیز معنای ظاهر آن را ذکر نموده است: «و البطن كل شيء جوفه و الجمع كالجمع (همان، ج ۱۳، ص ۵۴).

«باطن» در لغت به معنای پنهان در مقابل ظاهر و آشکار است (ر.ک: معین، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۶۳) و ظاهر «اصلش آن است که چیزی بر صفحه زمین باشد و پنهان نباشد و باطن، زمانی به کار می‌رود که چیزی در عمق زمین باشد و مخفی بماند، سپس در هر چیز آشکاری که با چشم یا بصر دیده شود، به کار آید» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۳۷).

راغب اصفهانی ذیل واژه «بطن» می‌گوید: «در اصل بدین معناست که چیزی در روی زمین حاصل گردد و بر کسی پوشیده نماند و اصل بطن عضوی از بدن (شکم) است که جمع آن بطون است. خداوند می‌فرماید: ﴿فَلْيَأْتُوا أَحْبَابَهُمْ وَ قَرُّوْهُمْ﴾؛ هنگامی که شما در شکم مادرانتان جنین‌هایی بودید» (نجم، آیه ۳۲) و «قد بطنته» یعنی به بطن و عمق آن رسیدم. بطن ضد ظاهر است و به هر موضوع پیچیده‌ای «باطن» و به هر موضوع آشکاری «ظاهر» گفته می‌شود. به آنچه با حس درک می‌شود «ظاهر» و به آنچه از حس پنهان است «باطن» گفته می‌شود» (همان).

در قاموس قرآن نیز آمده است: «باطن به معنای شکم و جمع آن بطون است. بطن به معنی پنهان و ظاهر به معنی آشکار است، و این معنی با معنی اصلی آن که شکم است دارای تناسب است. «وَلَا

تَقَرَّبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ؛ به فواحش آنچه آشکار است و آنچه نهان نزدیک نشوید (ر.ک: قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۰۱).

با توجه به تعاریف ذکر شده از سوی دانشمندان لغت می توان گفت واژه ظاهر به معنای چیزی است که آشکار باشد و پنهان نباشد و واژه باطن به معنای داخل و درون یک شیء می باشد و در مورد هر چیز مخفی و پنهانی نیز استعمال می شود که این خفا و نهفتگی ممکن است مربوط به امور مادی و یا غیر مادی باشد.

مفهوم ظاهر و باطن در کلام قرآن و روایات

واژه «ظاهر» و «باطن» در متون اسلامی نخستین بار در قرآن کریم به کار رفته است؛ مانند آیات {هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ} (حدید، آیه ۳)، {أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ بِإِذْنِهِ فَتَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُتَّبَعٍ} (لقمان، آیه ۲۰). آیات قرآن به طور مستقیم بر بطن دلالتی ندارند، ولی آیات فراوانی به طور غیر مستقیم بر بطون و لایه های مختلف معانی قرآن دلالت دارند. از جمله آیاتی که دستور به تدبر و تفکر و تعقل در قرآن نموده: {كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ بِالْحَقِّ لَعَلَّكُمْ أَتَقُونَ} (مجادل، آیه ۳)، {لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ} (مجادل، آیه ۲۲). این آیات حاکی از وجود لایه های عمیق و نهفته در ورای آیات قرآن و دلالت بر جنبه باطنی آیات دارند. ولی تدبر و تعقل در مجموعه ای از الفاظ و عبارات قرآنی، در صورتی منطقی و قابل پذیرش است که علاوه بر مفاهیم و معارف بر آمده از ظاهر الفاظ آن، به حقایق عمیق و پنهانی موجود در ورای عبارات نیز توجه شود تا مخاطبین بتوانند با تدبر، به آن حقایق راه یابند.

آلوسی در اثبات بطون قرآن که در ورای الفاظ آن نهفته است، به آیاتی که قرآن را «تفصیل کل شیء» یا «جامع علوم» معرفی می کنند، تمسک کرده و می گوید:

من نمی دانم منکران بطون قرآن هنگام برخورد با این آیات چه می کنند: {لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ} (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ) (انعام، آیه ۱۵۴)، {مَا لِرُطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ لَافِيَةٍ} (انعام، آیه ۳۸) در تعجبم که چطور برای دیوان شعر متنبی (شاعر عرب) معانی فراوان احتمال می دهند، ولی برای کلام و حیانی الهی که بر پیامبر خاتم نازل شده است، معانی عمیق و نهفته در ورای الفاظ و کلمات را باور ندارند و نمی پذیرند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷).

در این که آیات قرآن را می توان به معانی مختلفی تعبیر کرد، شکی نیست، ولی این را نیز باید در نظر

بررسی تطبیقی تفسیر ظاهر و باطن قرآن از منظر امام خمینی؟ ره؟ و آیت‌الله لنگرانی؟ ره؟ ۷

داشت که آیات قرآن با هم در ارتباط هستند و نباید صرف اعتقاد به بطن قرآن، آیات را از جایگاه اصلیشان در سوره خارج کرد و به تفاسیر مختلف از آنان پرداخت.

در روایات متعددی، بر وجود ظاهر و بطن قرآن تصریح شده است. اما در هر یک از این روایات در تعریف از ظاهر و بطن، تعبیر مختلفی به کار رفته است که در ادامه به ذکر تعدادی از این روایات می‌پردازیم که عبارتند از:

در برخی از روایات باطن قرآن بر «تأویل» قرآن اطلاق شده است، یکی دانست معنای باطن و تأویل جزو نظریه‌های معروف و با سابقه است که این دیدگاه در متن روایات نیز به صراحت آمده است؛ مانند روایتی که از فضیل بن یسار نقل شده است:

از امام باقر راجع به این روایات پرسیدم که هیچ آیه‌ای از قرآن نیست مگر آن که ظاهر و باطنی دارد. فرمود: ظاهر قرآن آن است که نازل شده و باطنش تأویل آن می‌باشد؛ برخی از تأویلات آن سپری شده و برخی از آن‌ها هنوز واقع نشده است. قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد آن زمان که تأویل چیزی از آن فرارسد، بر زندگان جریان دارد، آن چنان که بر مردگان جاری می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: «تأویل آن را نمی‌داند مگر خدا و راسخان در علم». ماییم که تأویل آن را می‌دانیم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۹۷).

تعریف دیگری که در رابطه با ظاهر و باطن قرآن در روایات وارد شده است، تعریف آن‌ها به مصادیق عام آیات است؛ یعنی در اعصار و زمان‌های مختلف، یک آیه مصادیق فراوان پیدا می‌کند و در هر زمان و دوره مصادیقی دارد، چنان که در این روایات این معنا به روشنی مشاهده می‌شود.

امام باقر می‌فرماید:

اگر بنا بود آیه‌ای که درباره مردمی نازل شده با مردن آن مردم از بین برود، چیزی از قرآن باقی نمی‌ماند، ولیکن قرآن طوری است که اولش (یعنی عصر نزولش) و آخرش یعنی (زمان‌های بعدش) تا زمانی که آسمان و زمین برجاست را یک‌جور شامل می‌شود، و برای هر قومی آیه‌ای است که تلاوتش می‌کنند، حال یا آیه از خیر آنان خیر می‌دهد و یا از شر آن‌ها (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۱۳).

حمران بن اعین می‌گوید:

از امام باقر؟ ره؟ درباره ظاهر و باطن قرآن پرسیدم. فرمود: ظاهرش کسانی هستند که قرآن درباره آنان نازل شده و باطنش کسانی هستند که مانند آنان عمل کرده‌اند آنچه در مورد آنان نزول یافته در مورد اینان نیز جاری است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۸۳).

با توجه به این روایات، نظر اهل بیت؟ مهم؟ در خصوص ظاهر و باطن قرآن این است که، ظاهر قرآن عبارت از همان مصادیق اولیه و باطن قرآن عبارت از مصادیق جاریه آن است. منظور از مصادیق اولیه قرآن، اشخاصی هستند که قرآن راجع به آنان سخن گفته است و مراد از مصادیق جاریه، اشخاصی هستند که همسان آنان هستند که این معنا به روشنی از روایاتی که ذکر شد قابل تحصیل و تبیین است. تعریف دیگری که در روایات به چشم می خورد، تعریف «باطن»، به «سر» است که مورد توجه برخی از عرفا و اهل تصوف نیز واقع شده است. امام علی؟ ع؟ می فرماید: «علم باطن سری از اسرار الهی و حکمتی است از حکمت های او که در دل های آن بندگان که بخواهد قرار می دهد» (الهندی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۱۵۹، ح ۲۸۸۲۰).

بسیاری از صاحب نظران درباره باطن قرآن کریم معتقدند که باطن قرآن، دارای مطالب ظریف و دقیقی است که حقیقت آن با تدبر و دقت در آیات کشف خواهد شد، روایات به صراحت در تعریف ظهر و بطن به اشارات و لطایف و حقایق قرآن اشاره نکرده اند، امام حسین؟ ع؟ از پدر بزرگوارش روایتی نقل می کنند که حضرت فرمودند:

قرآن کریم بر چهار قسم است: عبارت، اشاره، لطایف و حقایق، اما عبارت برای عموم مردم قرار داده شده است و اشاره قرآن را خواص می فهمند و نکات دقیق و لطیف آن به اولیا تعلق دارد و حقایق را انبیا می توانند دریابند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۷۸).

بنابراین با توجه به آیات و روایت یکی از ویژگی های منحصر به فرد قرآن، برخوردار بودن آن از مراتب معنایی است که در روایات از آن به باطن یا بواطن قرآن یاد شده است.

مفهوم ظاهر و باطن در کلام مفسران و اندیشمندان

دیدگاه های گوناگونی در کلام اندیشمندان علوم قرآنی و مفسران، در تعریف ظاهر و باطن کلام الهی ارائه شده است. اختلاف آراء این بزرگواران در این زمینه بسیار عمیق می باشد و جست و جو برای یافتن وجه مشترک و تقسیم آن به چند دسته مشخص دشوار است. با وجود این دو گرایش عمده از این دیدگاه ها قابل ارائه است: یکی دیدگاه دلالت گرا (گرایش متنی) که بیشتر تفسیری - روایی است و دوم دیدگاه مدلول گرا (گرایش متنی) که به جنبه های عرفانی و از زاویه کلامی به این موضوع نگرسته است. در اینجا به صورت اختصار به بیان چند مورد از دیدگاه های مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی می پردازیم.

۱. بدرالدین زرکشی

زرکشی در البرهان، نائل شدن به فهم دقیق و عمیق معارف قرآن را برای کسی که در علوم متبحر شده و در همه حالات تقوای الهی را رعایت کرده است ممکن می‌داند (زرکشی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۲۹۰) و بر وجود علم اولین و آخرین در قرآن تأکید کرده است (همان، ج ۲، ص ۳۲۰). ایشان در تعریفی دیگر براساس عبارت «فالظاهر التلاوة و الباطن الفهم»، ظاهر قرآن را تلاوت و باطن آن را فهم آن می‌داند (همان، ج ۲، ص ۲۹۰).

۲. آلوسی

آلوسی از مفسران اهل سنت در تفسیر خود معروف به روح المعانی، پس از آن‌که پاره‌ای از روایات دلالت‌کننده بر برخوردار بودن قرآن از ظاهر و باطن را یادآوری می‌کند، در مقام بیان معنی و تعریف ظاهر و باطن، نخست سخن این نقیب را در این باره نقل کرده که می‌گوید: «ظاهر آیات عبارت است از آن دسته از معانی آن‌که برای آگاهان از ظاهر قرآن آشکار است و باطن آن، همان اسرار پنهانی است که خداوند، صاحبان حقایق و حقیقت بین را از آن آگاه ساخته است و بعد، تعریف خود را ارائه داده است» (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸). سپس در ادامه تعریف خود را از ظاهر و باطن ارائه می‌دهد: «المذكور بوساطة الألفاظ و تألیفاتها و ضعا و إفادة و جعلها طرقا الی استنباط الأحكام الخمسة هو الظهر و روح الألفاظ أعنی الكلام المعتلی عن المدارك الآلیة بجواهر الرّوح القدسیة هو البطن» (همان).

۳. صدرالمتألهین شیرازی؟ ره؟

ملاصدرا مراد از ظاهر را، معنای ظاهری الفاظ و عبارات و مراد از باطن را، معنای باطنی و اسرار و حقایقی ماورای ظواهر می‌داند (ر.ک: صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۱۵۹ - ۱۵۸). ایشان نه تنها برای قرآن، بلکه برای کل شریعت قائل به ظهور و بطون است؛ چنان‌که ایشان می‌نویسد:

بدان که شریعت را ظاهری و باطنی است، مراتب علما هم در آن دو (ظاهر و باطن شریعت) تفاوت بسیار دارد، در آنان فاضل و مفضول «برتر و برتری یافته» و عالم و اعلم است و هر کس که نسبتش به پیغمبرش تمام‌تر و نزدیکی او به روح او قوی‌تر باشد، علم او به ظاهر و باطن شریعت او کامل‌تر است و علم به ظاهر و باطن به واسطه نهایت نزدیکی اش به پیغمبر خود و نیروی علمش به پروردگار خود و احکام او و کشف اوامر حقایق اشیاء را و شهودش مر آن‌ها را سزاوارتر است (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۶۳: ص ۶۳۲).

از دیدگاه ایشان باطن نبوت، ولایت و ظاهر آن شریعت است. ایشان همچنین برای انسان نیز قائل به وجود بطون است (صدرالمآلهین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۳). جناب صدرالمآلهین دستیابی به حقیقت قرآن را مستلزم دست یافتن به باطن آن می‌داند و برای متن قرآن معنایی و رای ظاهر یعنی معنایی باطنی در نظر می‌گیرد. به همین دلیل او هم به قرآن و سنت معصومان؟ عه؟ استناد می‌کند و هم به مقولات فلسفی و عرفانی عنایت دارد. نگاه ایشان در مسائل تفسیری و تفسیر قرآن بیشتر، عرفانی است (همان، ج ۷، ص ۱۹۴ - ۱۹۵).

۴. علامه طباطبائی؟ ره؟

علامه طباطبائی؟ ره؟، همچون بسیاری از مفسران مسلمان، مبنای ظاهر و باطن قرآن را تأیید، بلکه امری ضروری می‌داند و با ذکر مثالی ظاهر و باطن قرآن را این چنین توضیح می‌دهد که معانی نهفته در آیه‌ای که خواهد آمد به ترتیب از مرحله ظهور ابتدایی آن تا مراحل بالایی، معانی درونی و باطنی آن را توضیح می‌دهد: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعْنَى مَا فِي الْقُرْآنِ مِنْ بَاطِنِهِ**؛ خدا را بپرستید و هیچ چیزی را - در عبادت - شریک او قرار ندهید (نساء، آیه ۳۶).

ایشان در میان مفسران، در شمار نخستین کسانی است که به بررسی عمیق و گسترده در باب معنا و مفهوم ظاهر و باطن و تعیین حدود و چارچوب آن پرداخته است. ایشان در چند مورد از تفسیر ارزشمند خود و نیز در کتاب قرآن در اسلام به بررسی حدود و ضوابط آن پرداخته است.

مرحوم علامه در تعریف ظاهر و باطن می‌نویسد:

ظاهر آیه، همان معنای روشن و آشکار آن است و باطن آیه، آن معنایی است که در رای معنای ظاهر قرار گرفته، فرقی نمی‌کند آن معنای باطن، یکی باشد یا بیشتر، و چه با معنای ظاهر نزدیک باشد، به گونه‌ای که برای ارتباط با آن نیاز به واسطه نداشته باشد یا آن که میان آن دو، فاصله‌ای باشد، به شکلی که ارتباط باطن با ظاهر نیازمند واسطه باشد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۷۴).

ایشان در توضیح روایت «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنَاً وَ لَبْطَنَهُ سَبْعَةُ أَبْطُنٍ» می‌نویسد:

ظهور یک معنای ساده ابتدایی از آیه و ظهور معنای وسیع‌تری به دنبال آن و همچنین، ظهور پیدایش معنایی در زیر معنایی دیگر، در سراسر قرآن مجید جاری است و با تدبر در این معانی، معنای حدیث معروفی که از پیامبر اکرم؟ صل؟، نقل شده است «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا...» روشن می‌شود (طباطبائی، ۱۳۸۸: ص ۳۵).

۵. امام خمینی؟ ره؟

امام خمینی؟ ره؟ درباره باطن قرآن نظریه ویژه‌ای دارد که قرآن نه تنها دارای بطن که دارای بطون است و این بطون، در طول هم قرار گرفته و مراتب حقیقت قرآن را تشکیل می‌دهند. از دیدگاه ایشان بطون قرآن، واقعاً حقایقی پوشیده و مخفی از دید انسان‌های عادی است. در مقابل این بطون، ظاهر قرآن، یعنی همان چیزی که انسان‌های عادی می‌فهمند، قرار دارد و قابل دسترسی برای همه هست؛ هرچند برخی موضوعات و مسائل ظاهر قرآن هم وجود دارد که جز برای اولیای خدا و یا با تفسیری که از جانب آن بزرگواران رسیده باشد، قابل فهم و دسترسی نیست.

حضرت امام؟ ره؟ درباره ظاهر قرآن می‌فرماید:

قرآن کریم یک سفره‌ای است که خدای تبارک و تعالی به وسیله پیغمبر اکرم؟ صل؟ در بین بشر گسترده است که تمام بشر از آن، هر یک به مقدار استعداد خودش استفاده کند. این کتاب و این سفره گسترده در شرق و غرب و از زمان وحی تا قیامت کتابی است که تمام بشر؛ عامی، عالم، فیلسوف، عارف، فقیه، همه از او استفاده می‌کنند؛ یعنی کتابی است که در عین حال که نازل شده است از مرحله غیب به مرحله شهود و گسترده شده است پیش ما جمعیتی که در عالم طبیعت هستیم، در عین حالی که منتزل شده است از آن مقام و رسیده است به جایی که استفاده بتوانیم از او بکنیم، در عین حال مسائلی در او هست که همه مردم، عامی و عارف و عالم، و غیرعالم از او استفاده می‌کنند و مسائلی در او هست که مختص به علمای بزرگ است، فلاسفه بزرگ است، عرفای بزرگ است و انبیا و اولیاست. بعضی مسائل او را غیر از اولیای خدای تبارک و تعالی کسی نمی‌تواند ادراک کند؛ مگر با تفسیری که از آنان وارد می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۴۳۱).

از دیدگاه امام خمینی؟ ره؟ باطن قرآن از سنخ معانی نیست تا برای تمامی انسان‌ها و با علوم رسمی بشر قابل درک باشد، بلکه از سنخ حقایق است و برای درک این حقایق، مکاشفه تامه الهیه و یا تمسک به اهل بیت؟ عم؟ _ که جایگاه نزول وحی الهی هستند _ لازم است.

۶. آیت الله فاضل لنکرانی؟ ره؟

مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی؟ ره؟ در تبیین معنای ظاهر و باطن قرآن معتقد است، استعمال لفظ در اکثر از معنا مستحیل می‌باشد. ایشان معتقد است با توجه به روایات متعددی که می‌شود «ذووجه بودن قرآن»، یعنی دارای ظاهر و باطن را فهمید و «له ظهر و بطن» و تعبیرات مختلفی در این مورد وجود

دارد. در بعضی روایات وارد شده «ظاهره اُنِیق و باطنه عمیق» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸) که مسئله ظاهر و باطن را برای قرآن، مسلّم دانسته و می فرماید: ظاهر آن «اُنِیق»، یعنی اعجاب آور و باطن آن «عمیق»، یعنی دارای عمق است. روایات دیگری نیز داریم که می فرماید: «قرآن دارای هفت بطن است» و در بعضی می فرماید: «قرآن دارای هفتاد بطن است» (قونوی، ۱۳۸۱: ص ۱۲۸). امام باقر^ع؛ نیز می فرماید: «ان للقرآن بطناً و للبطن بطن؛ همانا برای قرآن باطنی است و برای باطن (آن) باطنی است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲، ص ۹۲ - ۹۱). مرحوم آخوند می فرماید: ممکن است کسی بگوید: روایاتی که برای قرآن ظاهر و باطن درست می کند حتی اگر یک بطن هم داشته باشد، معنایش این است که الفاظ قرآن دارای دو معناست؛ از یک معنای آن به معنای ظاهر و از دیگری به معنای باطن تعبیر می شود. پس حداقل دو معنا مطرح است. و اگر ما روایات هفت بطن را بگیریم معنایش این است که قرآن هشت معنا دارد یکی از آن معانی ظاهر و هفت معنای دیگر، باطن می باشند و اگر روایات هفتاد بطن را بگیریم معنایش این است که قرآن دارای هفتاد و یک معناست که یکی از آن ها ظاهر و هفتاد معنای دیگر، باطن می باشند (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۸۱ (الف)، ج ۲، ص ۳۳۹).

مبانی تفسیری ظاهر و باطن از منظر امام خمینی؟

مبانی تفسیر قرآن به آن دسته از پیش فرض ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا علمی گفته می شود که مفسر با پذیرش و مبنای قرار دادن آن ها به تفسیر قرآن می پردازد. در این قسمت به صورت مختصر به توضیح چند مبانی امام خمینی^{ره}؛ در تفسیر ظاهر و باطن قرآن کریم خواهیم پرداخت.

۱. مراتب نزول قرآن

یکی از مبانی معرفتی حضرت امام خمینی^{ره}؛ که در شیوه تفسیری ایشان اثرگذار بوده، این اندیشه است که قرآن کریم، پیش از نزول، دارای مراتب و مراحل بوده است. در آیات بسیاری به مفهوم نزول قرآن اشاره شده است؛ برای نمونه: { تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ } { زمر، آیه ۱}، { الْخُذْ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىَّ عَذَابٌ عَدِيدٌ ۖ أَبَ وَّلَمْ جَعَلْ لَهُ عَوْجًا } { كهف، آیه ۱}، { أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا } { طلاق، آیه ۱۰} که این مفهوم، مراتبی بودن قرآن اشاره دارد به این که معانی بلند عرفانی و معنوی از مرتبه عالی به سطحی برسد که بتواند در قالب الفاظ و کلمات برای مخاطبان قابل درک باشد. بنابراین حقیقت قرآن پیش از مرحله نزول، فراتر از الفاظ و معانی کنونی بوده است.

بررسی تطبیقی تفسیر ظاهر و باطن قرآن از منظر امام خمینی؟ ره؟ و آیت الله فاضل لنکرانی؟ ره؟ ۱۳

حضرت امام قرآن را دارای هفت مرحله نزول می‌داند و معتقد است حقیقت قرآن در آخرین مرتبه به جامه الفاظ درآمده و به‌عنوان صفت فعل او معرفی شده است:

خدای تبارک و تعالی به واسطه سعه رحمت بر بندگان، این کتاب شریف را از مقام قرب و قدس خود نازل فرموده و به حسب تناسب عوالم تنزل داده تا به این عالم ظلمانی و سجن طبیعت رسیده و به کسوت الفاظ و صورت حروف درآمده است. حقیقت قرآن شریف الهی قبل از تنزل به منازل خلقیه و تطوّر به اطوار فعلیه از شئون ذاتیه و حقایق علمیه در حضرت احدیت است که حقیقت «کلام نفسی» است که مقارعة ذاتیه در حضرات اسمائیه است (امام خمینی، ۱۳۸۰: ص ۱۸۴ - ۱۸۱).

ایشان در صحیفه خود به این مطلب اشاره کرده و می‌نویسد:

قرآن را [پیامبر] نازلماً و منزلتاً کسب کرد، در قلب مبارکش جلوه کرد و با نزول به مراتب هفت‌گانه به زبان مبارکش جاری شد. قرآنی که الان در دست ماست، نازله هفتم قرآن است» (همو، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۴۳۱).

۲. مراتب ظاهر و باطن قرآن

امام خمینی؟ ره؟، قرآن را دارای مراتب ظاهر و باطن دانسته و معانی باطنی قرآن را هفت یا هفتاد بطن شمرده است و این ذومراتب بودن زبان قرآن که متناسب با ظرفیت مخاطبان و مراتب فهم انسان‌هاست، نشان از جامعیت آن دارد (همو، ۱۳۷۴، ص ۵۱). ایشان ظواهر قرآن را از باب بنای عقلا حجت و معتبر شناختند و بر این باور بودند که بطون مفاهیمی اند که نمی‌توان آن‌ها را از طریق زبان عرفی و اصول عقلایی به چنگ آورد، بلکه بطون عبارت است از رجوع از شهادت مطلق به غیب مطلق (همو، ۱۳۸۰، ص ۱۸۱).

بنابراین بدون کشف و شهود و سیر و سلوک نمی‌توان به باطن قرآن دست یافت. ایشان همچنین ذومراتب و چندلایه بودن زبان قرآن را به جهات گوناگون امری مسلم دانسته و می‌گوید: یکی از این جهت که قرآن مجید از شئون و جلوه‌های ذات حق تعالی است دارای ظاهر و باطن است. دیگر این که قرآن، کتابی است جامع برای همه طبقات مردم نازل شده، بنابراین قرآن نیز بر دو وجه ظاهر و باطن نازل شده است و دارای مراتب هفت‌گانه نزول است تا از راه‌های گوناگون، مردم را به معرفت الهی دعوت نماید (همو، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷). روایت ائمه اطهار؟ عههم؟ نیز بازگوکننده این مطلب هستند که قرآن همین معنای ظاهری نیست و دارای باطن نیز می‌باشد.

ایشان در تفسیر سوره حمد می‌گویند:

قرآن سرّ است، سرّ سرّ است... باید تنزّل کند بیاید پایین، تا این‌که برسد به این مراتب نازله. حتی به قلب خود رسول‌الله که وارد می‌شد، باز تنزل بود، یک تنزلی کرده بود تا به قلب وارد می‌شد. بعد هم از آنجا باید نازل بشود تا برسد به آنجایی که دیگران هم بفهمند؛ چنانچه انسان هم این طوری است. انسان هم سرّ و سرّ سرّ است... یک وقت هم گفته می‌شود «عالم غیب»، «عالم ملائکه الله»، «عالم عقول» از این تعبیرات. خود آن‌ها هم سرّ و ظاهر دارند، ظهور و بطون است؛ و الظاهر و الباطن هم همین است. در همان چیزی که ظهور کرده، بطون هم هست؛ در همان بطون هم یک ظهوری هست (همو، ۱۳۷۵، ص ۱۶۵ - ۱۶۷).

از دیدگاه ایشان، مفسر کسی است که در تفسیر قرآن از دو چشم ظاهر و باطن مدد می‌گیرد، زیرا قرآن فقط این قشر و پوسته نیست و اگر کسی بر همین ظاهر و صورت قرآن اکتفا نموده و به مغز و باطن قرآن نرسد به خطا رفته و به هلاکت رسیده است و این ریشه همه جهالت‌ها و انکار نبوت و ولایت‌ها می‌باشد (همو، ۱۳۷۴، ص ۱۰۸). در تأویل، معیار این است که مقام برزخیت که همانا جمع ظاهر و باطن و وحدت و کثرت است حفظ گردد تا اسرار ربوبی آیات آشکار گردد. بنابراین کشف ذوقی صرف که محصول آن دستیابی به بواطن آیات است، چنانچه ارتباطی منطقی با عقل که ظواهر آیات را می‌کاود نداشته باشد، از درجه اعتبار ساقط است. قرآن صحیفه‌ای است که چون کتاب نفس و عالم دارای جمعیت، اعتدال و وحدت است و از این رو جمع صفات متقابلی چون ظهور و بطون در قرآن دال بر کمال و جامعیت آن است (همو، ۱۳۷۴، ص ۸۶). بنابراین به عقیده امام، توقف در ظاهر یا باطن صرف، از تلبیسات و تسویلات شیطان است و شیطان را به جهت توقف در ظاهر و افتادن در دام قیاس طرد گردید (همان، ص ۱۱۰).

امام خمینی؟ ره، در تفسیر آیات قرآن، هم‌زمان که به معانی ظاهری الفاظ - که ملاک استنباط احکام شرعی و آیات عملی به شمار می‌روند - توجه داشتند، به معانی باطنی نیز اهتمام فراوان داشته، هر دو مرتبه را به هم پیوسته و ناگسستگی و بلکه به منزله پیوند جسم و روح قرآن دانسته‌اند و در شرح دعای سحر می‌نویسند:

عارف کامل، کسی است که همه مراتب را حفظ کند؛ یعنی ظاهر و باطن کتاب را بخواند و در ظاهر الفاظ و معنایش، تفسیر و تأویلش تدبر نماید که ظاهر بدون باطن و صورت بدون معنا، همانند پیکری است بدون روح و دنیایی بدون آخرت. همان‌گونه که از باطن را به جز رهگذر ظاهر نمی‌توان به دست آورد و کسی که فقط ظاهر را بگیرد و در همانجا توقف کند، در رد باطن است و

بررسی تطبیقی تفسیر ظاهر و باطن قرآن از منظر امام خمینی؟ ره؟ و آیت الله فاضل لنکرانی؟ ره؟ ۱۵

کسی که فقط راه باطن را بگیرد و ظاهر توجه نکند، هم خودش را از صراط مستقیم گمراه نموده و هم دیگران را نیز گمراه خواهد نمود (همان، ص ۹۸ - ۹۹).

در اندیشه ایشان اصل رسیدن به کشف مراتب و بواطن آیات حق جز با طهارت باطن و تهذیب نفس میسر نیست. یکی از آداب مهم قرائت قرآن که انسان را به نتایج بسیار و استفاده‌های بیشمار نائل می‌کند، تطبیق است و آن چنان است که در هر آیه از آیات شریفه که تفکر کند مفاد آن را با حال خود تطبیق کند (همو، ۱۳۸۰، ص ۲۰۶) و هر قدر نورانیت و خلوص قلب مؤول بیشتر باشد، بهره او از معانی قرآن فراوان‌تر است: «کل من تنزهه و تقدسه اکثر کان تجلی القرآن له اکثر و حظه من حقایقه او فر» (همو، ۱۳۷۴، ص ۵۹).

۳. طهارت باطن، شرط آگاهی از بطون قرآن

مفسران و قرآن‌پژوهان از گذشته تا کنون، یکی از دانش‌های بایسته و شرایط لازم را برای فهم و تفسیر قرآن «طهارت باطن» دانسته‌اند (ر.ک: ذهبی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۵۴ - ۵۵)، زیرا اگر نفس آدمی از آلودگی‌های فکری، اعتقادی و اخلاقی مطهر نباشد، نور قرآن در آن نخواهد تابید. بنابراین همان‌طور که تماس بدون طهارت ظاهری (وضو) با الفاظ و ظاهر قرآن کریم، تشریحاً روا نیست، دستیابی به حقیقت قرآن و معارف نورانی آن نیز بدون طهارت باطنی تکویناً ممکن نخواهد بود. خداوند در قرآن کریم به این مطلب اشاره کرده و فرموده: { لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ } (واقع، آیه ۷۶). به عقیده علامه طباطبائی؟ ره؟ منظور از مس، مس ظاهر نیست، بلکه به قرینه این‌که مراد مس قرآن است، معنای واژه (مس)، علم به قرآن می‌باشد و از منظور از مطهرون کسانی اراده شدند که خداوند نفوس آن‌ها را از معاصی و آلودگی گناه مطهر کرده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۳۷).

حضرت امام؟ ره؟، مهم‌ترین شرایط فهم قرآن را مبتنی بر دو امر می‌داند: یکی، مجاهدت و ریاضت علمیه و دومی، تطهیر نفوس. گرچه راسخان در علم و مطهر به قول مطلق را مختص به انبیا و اولیای معصومین دانسته‌اند. ولیکن بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که برای علمای امت نیز به مقدار قدم آن‌ها در علم و طهارت حظ وافر از قرآن (بان قرآن) است (همو، ۱۳۷۷، ص ۳۹ - ۳۸). پس هر کسی به هر مقدار که منزّه‌تر و پاک‌تر باشد، تجلی قرآن بر او بیشتر و بهره او از حقایق قرآنی فراوان‌تر است (همو، ۱۳۷۴، ص ۵۹).

۴. اهل بیت؟ عهم؟، راسخان در علم و خبرگان حقیقی قرآن کریم

با توجه به برخی آیت و روایات، پیامبر؟ صل؟ و اهل بیت؟ عهم؟ راسخان در علم و آگاهان واقعی به بطون آیات قرآن هستند. حضرت امام؟ ره؟ در جاهای متعددی به کلام امام باقر؟ ع؟ استناد کرده‌اند که خطاب به قتاده از مفسران مشهور آن زمان فرمودند: «قرآن را کسی می‌شناسد که مخاطب آن است» (خوئی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۱۶۲). این امر به منزلت علمی و معنوی اهل بیت؟ عهم؟ و آگاهی آنان از اسرار و حقایق قرآن اشاره و تصریح می‌کند. ولیکن ایشان این امر را تنها در انحصار ائمه؟ عهم؟ نمی‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۷)، بلکه معتقد است دستیابی به بطون قرآن برای عالمان ربانی با شرایطی امکان‌پذیر است: یکی، کنارگذاشتن انکار مطلق و اعتقاد به وجود حقایق غیبی و دیگری، مجاهدت علمی و التزام عملی به آداب شریعت، عبادات و انس با ادعیه؛ که در واقع هدف انبیاء؟ عهم؟ نیز همین بوده است که استعدادهای انسان‌ها را شکوفا و به وسیله عبادات و ادعیه، سالکان طریقت الهی را به سرمنزل مقصود برسانند (همان، ص ۱۲۳).

۵. وضع الفاظ برای روح معانی

یکی دیگر از شاخص‌های تفسیر حضرت امام؟ ره؟ که می‌توان گفت که کمتر مفسری از آن بهره گرفته، قاعده وضع الفاظ برای ارواح معانی است. این نظریه در جهان اسلام، نخستین بار از سوی غزالی مطرح گردید. بهترین و مهم‌ترین بیان غزالی از این نظریه در کتاب جواهر القرآن ارائه شده است و همین سخنان بعدها عیناً در آثار بزرگانی مانند ملاصدرا و فیض کاشانی و حکیم سبزواری تکرار گردیده است. گوهر و اصل سخن غزالی در اینجا این است که باید از الفاظ قرآن و روایات معنای روحانی و حقیقی آن‌ها را دانست، نه معنای ظاهری و جسمانی (ر.ک: شیوپور، ۱۳۹۴، ص ۱۹۱). در عصر حاضر یکی از طرفداران جدی این نظریه نیز امام خمینی؟ ره؟ است. ایشان در آثار گوناگون خود و با بیان‌هایی مختلف از دیدگاه «وضع الفاظ برای ارواح معانی» سخن گفته است. ایشان در کتاب «مصباح الهدایه»، این نظر را دیدگاهی برخواسته از اشارات اولیا و سخنان عارفان می‌داند و تدبیر در آن را از مصادیق تفکری می‌شمارد که برتر از شصت سال عبادت است. از دیدگاه ایشان این نظریه کلید گنج‌های معرفت و اصل مهمی در فهم معارف قرآنی است (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۳۹).

ایشان در تفسیر و تأویل عرفانی، برای واژگان قرآنی به توسعه مفهومی آن‌ها توجه کرده و همه

بررسی تطبیقی تفسیر ظاهر و باطن قرآن از منظر امام خمینی؟ ره؟ و آیت الله فاضل لنکرانی؟ ره؟ ۱۷

معانی طولی (لایه‌های معنایی) را حقیقی دانسته و با توجه به وضع الفاظ برای روح معانی، استعمال آن را در هر یک از مصادیق و مراتب آن، استعمالی حقیقی تلقی نموداند.

مبانی تفسیری ظاهر و باطن از منظر آیت الله فاضل لنکرانی؟ ره؟

روایاتی در مورد قرآن شریف وارد شده که دلالت می‌کند کتاب الله، دارای معانی ظاهری و باطنی است؛ منتها روایات دوستانه‌اند: بعضی دلالت دارند که قرآن مجید دارای هفت بطن است و بعضی دیگر دلالت دارند که قرآن دارای هفتاد بطن است. ضمناً می‌دانید که معانی ظاهری قرآن همان است که کم‌وبیش درک می‌کنیم. ممکن است کسی بگوید که الفاظ قرآن مجید، دارای یک معنای ظاهری و هفت یا هفتاد بطن است و بطون قرآن همان معانی قرآن است. بنابراین جملات و الفاظ قرآن در هشت معنا استعمال شده: یکی معنای ظاهری و هفت معنای باطنی و یا این‌که در هفتاد و یک معنا استعمال شده، یک معنای ظاهر و هفتاد معنای باطن. لذا با وجود روایات مزبور، علاوه بر این‌که جواز استعمال را ثابت می‌کند، دلالت بر وقوع استعمال الفاظ در اکثر از معنا در قرآن مجید نیز می‌کند. همچنین ممکن است خداوند متعال در حالی که الفاظ را در معانی ظاهر استعمال نموده، آن معانی باطن را هم اراده کرده، نه این‌که از الفاظ اراده شده باشد، بلکه در حال استعمال لفظ را در معنای خودش، آن بطون را هم اراده نموده است (ر.ک: فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳۹).

الفاظ قرآنی، نشانه و علامت آن معانی باطنی هستند، نه این‌که در آن‌ها استعمال شده باشند. معانی هفت یا هفتادگانه لازمه معنای ظاهری مستعمل فیه هستند؛ یعنی لفظ در ملزوم معنای ظاهری استعمال شده، اما بر لوازم هم دلالت می‌کند؛ گرچه عقول انس‌ها از درک لوازم و معانی هفت یا هفتادگانه قاصر است (همان، ج ۱، ص ۲۴۱).

پیامبر اکرم؟ صل؟ در وصف قرآن فرمودند: «قرآن دارای ظاهر و باطن است؛ ظاهر قرآن حکمت است و باطن آن علم و دانش. ظاهر آراسته دارد و باطن عمیق...» (همو، ۱۳۸۱ (ب)، ص ۱۹۴). آیت الله فاضل لنکرانی؟ ره؟ نیز بعد از بیان نزول دفعی (یک‌باره) و نزول تدریجی قرآن که در طول ۲۳ سال، بر پیامبر اکرم نازل شده است به سخن ملا محسن فیض کاشانی استناد کرده که می‌گوید: «... هر بار که جبرئیل بر پیامبر ظاهر شده و وحی آورده و الفاظ آن را بر حضرت می‌خوانده است، بخش بخش از باطن قلب او به ظاهر زبانش نزول می‌یافته است» (همان، ص ۴۶۳). این مطلب اشاره به نزول مراتبی قرآن دارد. همچنین ایشان قائل به ذوجه بودن قرآن نیز هستند.

از دیدگاه مرحوم آخوند، معانی باطنیه در ارتباط با معنای ظاهر و معانی اولی الفاظ هستند، ولی

نحوه ارتباطشان، مثل ارتباط معانی التزامیه با مدلول‌های مطابقیه است. اگر شما لفظ را در یک معنای موضوع له خود استعمال کنید، ولی این معنای موضوع له دارای یک مدلول التزامی باشد، اینجا دو دلالت در کار است، یکی دلالت مطابقه و دیگری دلالت التزام. ولی این دو دلالت در یک ردیف واقع نمی‌شوند. دلالت التزامیه، متأخر از دلالت مطابقه و مترتب بر آن است. این‌طور نیست که مدلول التزامی و مدلول مطابقی، در یک صف، مراد متکلم باشند، بلکه اصلاً مدلول التزامی، مستعمل‌فیه، لفظ نیست؛ اگرچه به دلالت التزامیه، دلالت تحقّق پیدا می‌کند، ولی در جایی که یک مدلول مطابقی و یک مدلول التزامی داریم، دو تا مستعمل‌فیه نداریم. مستعمل‌فیه، همان معنای مطابقی است، ولی وقتی معنای مطابقی ثابت شود، مدلول التزامی هم به دنبال آن وجود دارد؛ بدون این‌که مدلول التزامی، مستعمل‌فیه لفظ باشد.

در معانی بطنیه قرآن هم می‌گوییم: این معانی، مدلول‌های التزامیه برای معنای ظاهر قرآن می‌باشند. معنای ظاهر قرآن به‌عنوان مستعمل‌فیه است و این معانی عنوان مدلول التزامی دارد. این معانی، مراد خداوند است، ولی دارای عنوان مستعمل‌فیه نیست (همو، ۱۳۸۱ (الف)، ج ۲، ص ۳۴۲). آیت‌الله خوئی؟ رح؟ در تأیید این نظر روایاتی ذکر کرده است که در ارتباط با اوصاف قرآن است. کتابی است زنده و جاوید که هیچ‌گاه کهنه نخواهد شد و اگرچه شأن نزول بسیاری از آیات آن، موارد خاص است، ولی مطالب قرآن، اختصاص به موارد شأن نزول ندارد.

در ادامه به چند مورد از اساسی‌ترین مبانی تفسیری مرحوم آخوند می‌پردازیم.

۱. حجیت ظواهر قرآن

هیچ شک و تردیدی نیست که قرآن بر پیامبر اکرم؟ صل؟ فرو فرستاده شد تا مردم معانی آن را بفهمند و در آیاتش تدبیر نمایند و اعمال خود را مطابق اوامر و نواهی آن قرار دهند و اعتقادشان را در راستای عقاید صحیح موجود در آن قرار دهند. شرع مقدس نیز برای فهماندن مقاصد خویش روش خاصی را ابداع نکرده، بلکه از الفاظ و شیوه‌های متداول استفاده کرده است. بنابراین ظاهر قرآن مانند ظاهر سایر کتاب‌ها برای فهماندن معنا و ارائه مقاصد و اهداف است. قرآن خود مردم را به تدبیر دعوت می‌کند. توصیفی که خود قرآن از خویش کرده نشان می‌دهد که باید نسبت به اصاف و خصوصیات ظاهری قرآن متعهد بود: { أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا } (محمد، آیه ۲۴) (همو، ۱۳۸۱ (ب))،

برخی شبهه کرده‌اند از آنجاکه قرآن دارای معانی بلند، مطالب عمیق، علوم مختلف و اهداف بسیاری می‌باشد، فهم بشر از درک و وصول به آن ناتوان است. انسان چگونه می‌تواند به مضامین بلند قرآن دست یابد، درحالی‌که از دستیابی به معانی نهج البلاغه که کلام بشر است، درمانده شده است. آیت الله فاضل؟ ره؟ در پاسخ به این شبهه می‌نویسد:

هرچند قرآن دارای ویژگی‌های یادشده است و این موضوع قابل انکار نیست، ولی این موضوع مانع از آن نمی‌شود که مردم بتوانند به ظاهر قرآن استناد نمایند (همان، ص ۲۸۰ - ۲۷۹).

۲. اهل بیت؟ عهم؟، راسخان در علم و خبرگان حقیقی قرآن کریم

قرآن، شامل مضامین عالی و مطالب شامخی است که فقط دست معصومین و راسخین در علم به آن می‌رسد و کلمات متقدمین از علما را نمی‌دانند، مگر اشخاص فاضل و... تا چه رسد به فهم قرآن که مشتمل بر مطالب عالی و علم ما کان و ما یکون است. پس قرآن در یک معنایی نسبت به غیر اهل بیت؟ عهم؟ اصلاً ظهور ندارد (همو، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۸۸).

با توجه به برخی آیات و روایات، پیامبر؟ صل؟ و اهل بیت؟ عهم؟ راسخان در علم و آگاهان واقعی به بطون آیات قرآن هستند. همه امامان؟ عهم؟ به لحاظ این که حجّت‌های خدایند، از این دانش وسیع الهی برخوردارند. دانش آنان «علم الهی» و «لدنی» است، زیرا آن بزرگواران در مهبط فرشتگان به دنیا آمده‌اند و در خانه نبوت و رسالت رشد یافته‌اند (همو، ۱۳۸۷، ص ۱۸۴). بنابراین گفتار معصوم، پیامبر یا امام در تحلیل و تفسیر آیات قرآن حجّت به شمار می‌آید. علت حجّت بودن سخنان پیامبر واضح است و امام نیز یکی از تقلین است که پیامبر؟ صل؟ دستور داده تا بدان تمسک و برای فرار از گمراهی و نادانی به ریسمان وی چنگ سائیم.

امیر مؤمنان علی؟ ع؟ و امام سجاد؟ ع؟ و حضرت صادق؟ ع؟ فرمودند:

اَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ سَجَرَةُ النَّبُوَّةِ، وَ مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ، وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَ بَيْتُ الرَّحْمَةِ، وَ مَعْدِنُ الْعِلْمِ؛

بی‌گمان، ما اهل بیت؟ عهم؟ درخت نبوت و پایگاه رسالت، و جایگاه آمد و شد فرشتگان، و

خانه رحمت، و معدن علم و جایگاه اصلی دانشیم (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۱).

امام صادق؟ ع؟ در پاسخ بریه، که عرض کرد: تورات و انجیل و کتاب‌های پیامبران، از کجا به دست شما رسیده است؟ فرمود:

هِيَ عِنْدَنَا وَرِاثَةٌ مِنْ عِنْدِهِمْ، نَقَرُوهَا كَمَا قَرَرُوهَا وَ نَقُولُهَا كَمَا قَالُوا، إِنَّ اللَّهَ لَا يَجْعَلُ حُجَّةً فِي أَرْضِهِ

يُسْئَلُ عَنْ شَيْءٍ فَيَقُولُ: لَا أَدْرِي؛

همه آن‌ها از نزد خودشان به ما به ارث رسیده است و همان‌گونه که آن‌ها می‌خواندند، ما می‌خوانیم و همان‌گونه که آن‌ها بازگو می‌کردند، بازگو می‌کنیم. بی‌گمان خداوند در زمین خود حجتی قرار نمی‌دهد که از او درباره چیزی پرسند و گوید: نمی‌دانم (همان، ص ۱۸۷).
در اصول کافی، جابر از امام باقر؟ع نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «هیچ کس جز جانشینان پیامبر؟صل نمی‌تواند ادعا کند که تمام قرآن را از ظاهر و باطن آن در نزد وی موجود است» (همو، ۱۳۸۱ (ب)، ص ۳۹۴).

۳. حکم عقل

بدون شک «حکم عقل» تبیین‌کننده است و نحوه استنباط مسائل توسط عقل یکی از پایه‌های تفسیر به‌شمار می‌آید. اگر عقل بر خلاف ظاهر قرآن حکمی صادر کند، چاره‌ای نیست جز این‌که آن را بپذیریم و به ظواهر الفاظ توجهی نداشته باشیم. عقل حجت و معجزه‌بودن قرآن و صحت مدعای پیامبر را تأیید می‌کند. عقل به‌عنوان پیامبر درونی که نمی‌توان با حکمش مخالفت ورزید، ثابت می‌کند که قرآن معجزه‌ای است که فراتر از قدرت بشری و هیچ کس توانایی هم‌وردی با آن ندارد. در واقع عقل با صدور حکم بر خلاف ظاهر قرآن به‌عنوان یک قرینه لفظی متصل، انسان را از معنای حقیقی الفاظ بازداشته و به سمت معنای مجازی سوق می‌دهد.

یکی از ویژگی‌های دیدگاه آیت‌الله فاضل لنکرانی؟ه؛ درباره عقل این است که ایشان ارتباطسنجی منابع تفسیری را از جانب عقل می‌دانند؛ یعنی اگر هر منبعی را به‌عنوان منبع تفسیر بدانیم، باید آن را به شرع و عقل عرضه کنیم؛ وقتی معناشناسی می‌کند تفسیر را به این‌که غرض از تفسیر کشف مراد خدا از الفاظ قرآن است بیان می‌دارد؛ لذا باید در تفسیر قرآن به چیزی اعتماد کنیم که عقل و شرع آن را قبول کرده باشد. ایشان معتقد است که باید به چیزی برای تفسیر اکتفا کنیم که اعتبار آن ثابت شده و حجیت آن هم باید روشن باشد و این را یا از طریق شرع باید بفهمیم یا از حکم عقل و به عبارتی نه‌تنها عقل منبع است، بلکه اعتباربخشی منابع هم به عقل است. حکم عقل به منزله یک مخصص متصل ظهور را از معنای حقیقی در معنای مجازی قرار می‌دهد و این یکی از دیدگاه‌های مهم این عالم بوده است که براساس این دیدگاه بسیاری تفاسیر از حوزه تکثیربودن صحیح خارج می‌شوند به طور مثال تفاسیری که سعی دارند دیدگاه‌های علمی را بر قرآن تحمیل کنند از منظر این استاد بزرگ تفاسیر درستی نیستند و هرکسی که با دیدگاه‌ها و منابع ظنی وارد تفسیر شوند از

نظر استاد این تفسیر اعتباری ندارد.^۱

«الرحمن علی العرش استوی» ظاهر این آیه خلاف حکم عقل است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که حکم عقل علاوه بر این که از مبانی تفسیر است و نمی‌توان آن را در کشف مفاهیم و معانی آیات نادیده گرفت بر معنی حقیقی الفاظ تقدم دارد و عقل به واسطه صدور حکم، برخلاف معنی حقیقی باعث می‌شود تا معنی مجازی پدیدار گردد، زیرا حکم عقل به منزله قرینه متصل می‌باشد و ما با استناد به حکم عقل حجت بودن معنی مجازی را به اثبات می‌رسانیم (همو، ۱۳۸۱ (ب)، ص ۲۹۵).

نتیجه

طبق بیانات گذشته، به وضوح تفاوت و تمایز رویکردهای مختلف این دو اندیشمند بزرگوار در تفسیری ظاهر و باطن قرآن کریم روشن گردید. رویکرد و گرایش امام خمینی؟ ره؟ به تفسیر قرآن کریم، رویکردی کاملاً عرفانی است، زیرا ایشان سرچشمه حقیقی عرفان را خود قرآن می‌داند؛ لذا مطمئن‌ترین راه برای رسیدن به لایه‌های قرآن را رویکرد عرفانی دانسته است. در نظر ایشان بین ظاهر و باطن، پیوند ناگسستنی برقرار است و امام درباره نزول قرآن، به مراتب هفت‌گانه قائل است و این که قرآن از مرتبه‌های عالی تا سطح فهم بشر فرود آمده و در ظرف الفاظ ریخته شده است. آیت الله فاضل لنکرانی؟ ره؟ نیز با پذیرفتن این که قرآن دارای ظاهر و باطن است و این که از طریق ظاهر و شریعت می‌توان به معنای باطن رسید، در تفسیر خود برعکس امام خمینی؟ ره؟ که گرایش عرفانی در تفسیر باطن قرآن دارد، بر سه مبنا تأکید ورزیده است: حجیت ظواهر قرآن، گفتار معصوم و حکم عقل.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. آقای یوسفی مقدم، رئیس پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن کریم، ششمین پیش‌نشست همایش ملی دیدگاه‌های علوم

قرآنی آیت الله فاضل لنکرانی؟ ره؟، مرکز فقهی ائمه اطهار؟ عهم؟، جایگاه عقل در تفسیر.

منابع

۱. ابن فارس، ابوالحسین احمد، *معجم مقاییس اللغة*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
۲. ابن منظور، محمدبن مکرم، *لسان العرب*، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۳. الذهبی، محمدحسین، *التفسیر والمفسرون*، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۶ق.
۴. آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۵. جوادی آملی، شمس الوحی تبریزی (سیره علمی علامه طباطبائی)، تحقیق و تنظیم: علیرضا روغنی موفق، چاپ چهارم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۱.
۶. خمینی، روح الله، *آداب الصلاه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؟، ۱۳۸۰.
۷. _____، *تفسیر سوره حمد*، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؟، ۱۳۷۵.
۸. _____، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؟، ۱۳۷۷.
۹. _____، *شرح دعای سحر*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؟، ۱۳۷۴.
۱۰. _____، *مصباح الهدایه الی الخلفه و الولایه*، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؟، ۱۳۷۶.
۱۱. _____، *صحیفه امام*، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؟، ۱۳۷۸.
۱۲. خوئی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، بیروت، منشورات مدینه العلم، ۱۴۰۳.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ قرآن*، ترجمه: سید غلامرضا خسروی، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵.
۱۴. زرکشی، بدرالدین محمدبن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق: یوسف مرعشلی، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفه. ۱۹۹۶ق.
۱۵. شاکر، محمد کاظم، *مبانی و روش های تفسیری*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۶. شیوپور، حامد، *نظریه روح معنا در تفسیر قرآن*، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه شیخ مفید، ۱۳۹۴.
۱۷. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *تفسیر القرآن الکریم*، تحقیق: محمد خواجهوی، چاپ دوم، قم، انتشارات بیدار. ۱۳۶۶.
۱۸. _____، *مفاتیح الغیب*، مقدمه و تصحیح: محمد خواجهوی، تعلیقات: ملا علی نوری، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
۱۹. طریحی، فخرالدین، *معجم البحرین*، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۲۰. طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ

بررسی تطبیقی تفسیر ظاهر و باطن قرآن از منظر امام خمینی؟ ره؟ و آیت الله فاضل لنکرانی؟ ره؟ ۲۳

- پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۴.
۲۱. _____، *قرآن در اسلام*، چاپ سوم، قم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۸.
۲۲. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، *اصول فقه شیعه*، چاپ اول، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار؟ عهم؟، ۱۳۸۱ (الف).
۲۳. _____، *ایضاح الکفایة*، ۶ جلد، چاپ پنجم، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار؟ عهم؟، ۱۳۸۵.
۲۴. _____، *پاسداران وحی*، چاپ اول، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار؟ عهم؟، ۱۳۸۷.
۲۵. _____، *مدخل التفسیر*، ترجمه: محمد رسول دریایی، تهران، انتشارات بنیاد قرآن، ۱۳۸۱ (ب).
۲۶. فیروز آبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، اعداد و تقدیم: محمد عبدالرحمن مرعشلی، چاپ اول، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۹۷ م.
۲۷. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۲۸. قونوی، صدرالدین، *اعجاز البیان فی تفسیر أم القرآن*، تصحیح: جلال الدین آشتیانی، قم، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۱.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۰. معین، محمد، *فرهنگ معین*، چاپ ششم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳.
۳۱. الهندی، علاءالدین المتقی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسه الرسالة ۱۴۰۹ ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی